

گفت‌وگو با باغدار منطقه بشرویه:

ترویج بی‌پشتوانه، حاصلی ندارد!

همزمان با بازدید دست‌اندرکاران انجمن پسته و استاندار خراسان جنوبی از باغات پسته استان، با سیدابوالفضل خاکساری باغدار منطقه بشرویه به گفت‌وگو نشستیم. وی ضمن استقبال از این برنامه، به ثمر نشستن این رویدادها را پشتوانه داشتن و ارائه رهاوردهای علمی و عملی می‌داند. مشروح این گفت‌وگو را در پی می‌خوانید.

سیدابوالفضل خاکساری مقدم باغدار و پسته‌کار شهرستان بشرویه استان خراسان جنوبی، به‌مدت ۹ سال دبیر اجرایی نظام صنفی کارهای کشاورزی شهرستان بوده و هم اکنون عضو مجمع ملی خبرگان کشاورزی کشور از استان خراسان جنوبی است.

از سابقه خودتان در پسته شروع کنید؟ چه مدت است که در این حوزه فعال هستید؟

حدود ۱۳ سال است که باغدار پسته هستم و دو رقم بادامی نصرالهی و احمدآقایی را در باغم پیوند زده‌ام. در سال ۱۳۸۷ با همکاری جهاد کشاورزی شهرستان بشرویه یک سایت الگویی برای مقایسه عملکرد ارقام احداث کردیم و در آن ارقام فندقی، کله قوچی، احمدآقایی، بادامی نصرالهی، اکبری و سفید فیض‌آباد را تحت شرایط یکسان، کشت و مدیریت کرده‌ایم. این سایت الگویی توسط کارشناسان جهاد کشاورزی در طول فصل رشد تا هنگام برداشت رصد می‌شود. در این بررسی‌ها فاکتورهای شوری آب و خاک، گرمای هوا، وزش باد و مولفه‌های موثر بر تولید مدنظر قرار گرفته‌اند تا نهایتاً با توجه به شرایط منطقه رقم مقاوم‌تر تعیین و تکثیر گردد.



نظرتان در مورد بازدید اخیر دست‌اندرکاران انجمن پسته ایران با همراهی استانداری از منطقه خراسان جنوبی چیست؟ آیا ادامه این روند را موثر و مطلوب می‌دانید؟

همان‌گونه که خدمت دوستان عرض کردم، باغبانی در کل کشور رها است و به‌صورت خاص متولی ندارد؛ وضعیت دامداری و زراعت نیز به‌همین شکل است. به‌طور مثال، سال‌های متمادی مرکز تحقیقات و ترویج کشاورزی یک رقم گندم یا جو را معرفی می‌کند و بعد دیگر پشتوانه ندارد و کارشناسان به‌طور مستمر آن را رصد نمی‌کنند؛ تنها در حد یک عرضه محدود اتفاق می‌افتد و بعد از چندسال کارایی رقم پایین می‌آید و عملاً نیست و نابود می‌شود و ده‌ها ساعت وقت صرف‌شده برای کلاس‌های ترویجی هدر می‌رود. وضعیت باغبانی نیز به همین منوال است.

در کشورهای توسعه یافته مثل هلند، سه ضلع بخش خصوصی شامل: کشاورزی، دانشگاه و دولت در کنار هم کار می‌کنند. این سه ضلع وظایف خود را به‌درستی انجام می‌دهند و دو ضلع اصلی که دانشگاه و دولت هستند، به‌صورت مستقیم و بدون واسطه با بخش خصوصی همکاری مستمر دارند؛ نتایج تحقیقاتی که در دانشکده‌ها انجام می‌شود به کشاورزان توصیه می‌شود و در تمام مراحل

کاشت تا برداشت، مستقیماً توسط بخش دولتی حمایت‌های مالی و علمی از کشاورز و باغدار صورت می‌گیرد. ولی در کشور ما این حلقه جایگاهی ندارد. کارشناس به‌طور مقطعی می‌آید و توصیه‌ای می‌کند و می‌رود و دیگر هیچ پیگیری صورت نمی‌گیرد. الان یک ماه است که برداشت پسته انجام شده‌است، هیچ دغدغه‌ای در دولت‌مردان وجودندارد که این محصول کجا می‌خواهد عرضه شود و چه کسی قرار است از ما بخرد. در فصل رشد نیز مشکلاتی به همین نحو وجود دارد؛ سموم و کودها به لحاظ کیفی کنترل نمی‌شوند و عرضه می‌شوند؛ ما طبق برچسب و برندی که در فروشگاه می‌بینیم آنها را می‌خریم، اما در پایان فصل می‌بینیم که هیچ نتیجه مطلوبی نداد.

در سفری که اخیراً دست‌اندرکاران انجمن پسته ایران به اینجا تشریف آوردند، یک کورسوی امید به باغدار می‌دهد که از بخش خودش و از بدنه خودش افراد دلسوزی حضور دارند که این خلاءها را تا حدودی، آنهم نه خیلی زیاد، بلکه تا حد کمی التیام دهند و مرهمی بر زخم‌ها، دغدغه‌ها و نگرانی‌های باغداران باشند و صنعت پسته از مغفول و رها بودن نجات پیدا کند.

این سفرها مثمر هستند، به شرط اینکه در هر مقطعی، کارشناسان فعال و زبده دانسته‌ها و فعالیت‌شان را به‌صورت مستمر در اختیار قرار دهند و این روند ادامه‌دار باشد؛ به‌طوری که

حلقه کشاورزی، دانشگاه و دولت

در کشورهای توسعه‌یافته سه ضلع بخش خصوصی شامل: کشاورزی، دانشگاه و دولت در کنار هم کار می‌کنند و دو ضلع اصلی که دانشگاه و دولت هستند، به‌صورت مستقیم و بدون واسطه با بخش خصوصی همکاری مستمر دارند؛ نتایج تحقیقاتی که در دانشکده‌ها انجام می‌شود به کشاورزان توصیه می‌شود و در تمام مراحل کاشت تا برداشت، مستقیماً توسط بخش دولتی حمایت‌های مالی و علمی از کشاورز و باغدار صورت می‌گیرد؛ ولی در کشور ما این حلقه جایگاهی ندارد